

تحلیل نظریه معاونت در جرم غیر عمدی^۱

قاسم محمدی^۲

احسان عباسزاده امیرآبادی^۳

چکیده

جرم دانستن معاونت در جرم‌های غیر عمدی با توجه به نصوص قانونی موجود در نظام حقوق ایران دشوار می‌نماید و از این رو سخن گفتن از آن نیازمند بحثی نظری در اثبات امکان تحقق آن در ساختاری منسجم است. در این مسیر ابتدا لوازم پذیرش نظریه معاونت در جرایم غیر عمدی از جمله «عدم لزوم احراز وحدت قصد طرفین»، «واقعی بودن عنوان معاونت» و «عدم لزوم عمدی بودن معان‌علیه» مورد توجه و کنکاش واقع شده است؛ آن‌گاه از رهگذر نقد و تحلیل مصادیق اختلافی آن از قبیل «معاونت در ارتکاب رفتار منشأ جرم»، «مساعدت در ارتکاب قتل خطئی» و «مداخله در قتل مهدورالدم غیر واقعی» مجالی برای تبیین فواید جرم‌شناختی مترتب بر پذیرش نظریه مذکور فراهم آمده است و در نهایت به قانون‌گذار پیشنهاد شده تا با بسط مصادیق معاونت در جرم، گامی موثر در جهت کنترل بزهکاری بردارد.

واژگان کلیدی: معاونت در جرم، معاونت در اثم، معاونت در جرم غیر

عمدی، وحدت قصد، جرم‌انگاری.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۷/۸/۲۵، تاریخ پذیرش مقاله

۲. دکتری فقه و حقوق جزا و عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۳. دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و دادرس دادگاه کیفری ۲ شهرستان بهم، نویسنده‌ی

مسئول:

ehsanabaszade@gmail.com

درآمد

امکان وقوع معاونت در جرم‌های غیر عمدی برای نخستین بار در دهه‌ی چهل هجری شمسی ذهن حقوق دانان ایرانی را به خود معطوف ساخت (بنگرید به: صدارت، ۱۳۴۳: ۱۷-۱۲؛ باهری، ۱۳۸۴: ۲۴۶). اجمال موضوع، متن ابهام آلود ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴^۱ و هم‌چنین عدم اتخاذ موضع صریح از سوی مکتب به ویژه در اصلاحات این قانون در سال ۱۳۵۲ و تصویب قوانین بعدی، پیدایش سه نظریه‌ی متمایز در این باب را به دنبال داشت. برخی حقوق دانان، معاونت در جرایم غیر عمدی را مطلقاً پذیرفتند (گلدوزیان، ۱۳۷۷: ۲۶۵؛ شامبیاتی، ۱۳۷۲: ۲۲۶-۲۲۷؛ نوربها، ۱۳۷۵: ۲۲۸-۲۲۷)؛ برخی امکان آن را مطلقاً منتفی دانستند (محسنی، ۱۳۷۶: ۱۲۳؛ شیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۷)؛ و برخی دیگر حسب رفتارهای سازنده‌ی معاونت، قائل به تفصیل شدند^۲.

وضعیت قوانین مصوب پس از انقلاب اسلامی به ویژه با توجه به پیش‌بینی وحدت قصد معاون و مباشر، نظریه‌ی معاونت در جرم‌های غیر عمدی را به محاق

۱. «اشخاص ذیل معاون مجرم محسوبند: ۱- کسانی که باعث و محرک ارتکاب فعلی شوند که منشأ جرم است و به واسطه تحریک و ترغیب آن‌ها آن فعل واقع شود؛ ۲- کسانی که تبانی بر ارتکاب جرم کرده و به واسطه تبانی آن‌ها آن جرم واقع می‌شود؛ ۳- کسانی که با علم و اطلاع از حیث تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا تسهیل اجرای آن یا به هر نحو با مباشر جرم کمک کرده‌اند».

۲. برخی حقوق دانان با توجه به ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ که معاونت را در سه شکل تحریک و ترغیب به ارتکاب فعل منشأ جرم، تبانی بر ارتکاب جرم و کمک به مجرم پیش‌بینی کرده بود، معتقد بودند که معاونت در جرم غیر عمدی از طریق تبانی، با توجه به ملازمه‌ی عقلی آن با سوء نیت تبانی‌کنندگان قابل تصور نیست؛ اما «تحریک و ترغیب به ارتکاب فعل منشأ جرم» مطلقاً؛ و «تسهیل غیر عامدانه‌ی ارتکاب جرم»، البته به صورت استثنایی و مشروط به احراز قصد احتمالی تسهیل‌کننده (قابل پیش‌بینی بودن وقوع نتیجه‌ی مجرمانه از سوی تسهیل‌کننده)، مصداق معاونت در جرم غیر عمدی محسوب می‌شود (بنگرید به: صدارت، ۱۳۴۳: ۱۷-۱۵). برخی دیگر، تنها رفتارهای موضوع بند یک قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ یعنی تحریک و ترغیب را برای تحقق معاونت در جرم غیر عمدی صالح دانسته‌اند (بنگرید به: حمیدی، ۱۳۵۱: ۱۴۵). پاره‌ای از حقوق دانان نیز با توجه به مفاد ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲، تحقق معاونت از طریق تحریک، ترغیب، تهیه وسایل و نظایر این‌ها را منحصر به جرایم عمدی دانسته‌اند؛ اما معتقدند که امکان تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی از طریق توسل به رفتارهایی نظیر دسیسه، فریب و نیرنگ وجود دارد؛ زیرا در این دسته از رفتارها، همکاری مستقیم مباشر و معاون و توافق سوء نیت ایشان ضرورت نداشته و معاونت بدون وجود ارتباط میان مداخله‌کنندگان محقق می‌شود (بنگرید به: صانعی، ۱۳۷۱: ۱۰/۲).

کشانید. فارغ از نظر قانون‌گذار، معاونت در جرم غیر عمدی در حوزه‌ی نظری با چالش‌هایی جدی مواجه است؛ از سویی اصل عمدی بودن جرم که معاونت را نیز در بر می‌گیرد؛ موجب شده است که مصادیق جرم‌های غیر عمدی در قوانین کیفری انگشت‌شمار باشد؛ چندان که اگر از جنایت غیر عمدی در گذریم، افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده، کوتاهی در نگهداری از سلاح و صدمه به اموال دولتی، از محدود عناوینی است که به صورت غیر عمدی نیز جرم‌انگاری شده است. برخی جرم‌ها مانند قاچاق و صدور چک پرداخت ناشدنی که با عنوان جرم‌های مادی صرف شناخته می‌شود نیز می‌تواند بدون وجود عمد تحقق یابد؛ این در حالی است که از منظر اخلاقی، رفتار مادی به تنهایی نمی‌تواند جرم غیر عمدی را پدید آورد؛ زیرا جرم غیر عمدی به هر تقدیر جرم است و باید بتوان سوء نیتی برای آن شناسایی کرد. حقوق‌دانان وجود بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی را شرط تحقق جرم در وضعیت غیر عمدی آن می‌دانند. بدین ترتیب می‌توان مسأله‌ی معاونت در جرم غیر عمدی را به صورتی دیگر تقریر کرد و از آن با عنوان معاونت در جرم ناشی از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی نام برد.

بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی هر چند به عنوان رکن روانی جرم‌های غیر عمدی مورد توجه قرار می‌گیرد، اما جنبه‌ی مادی آن‌ها بر جنبه‌ی روانی‌شان غالب است؛ زیرا بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی بیش از آن که بیان‌گر وضعیت روانی فرد باشد، نشان‌گر کیفیت وقوع رفتار او است. رفتار اگر با شرایطی تحقق یابد که نباید تحقق می‌یافت و مرتکب به عنوان فردی متعارف از وضعیت غیر قانونی یا غیر متداول و یا غیر متعارف رفتار خود آگاه بوده باشد، از منظر اخلاقی سرزنش‌پذیر خواهد بود. همین جنبه‌ی مادی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی موجب شده است که اثبات آن‌ها همواره ساده‌تر از عمد باشد؛ زیرا از کیفیت عمل ارتكابی می‌توان نتایج آن را پیش‌بینی کرد؛ حال آن‌که اثبات عمد گاه جز از طریق اقرار دست یافتنی نیست.

نکته‌ی مهم دیگر، مسأله‌ی تحقق معاونت است. اگر معاونت را عنوانی عرفی بدانیم و تشخیص تحقق آن را نیز مسأله‌ای عرفی قلمداد کنیم، در تحقق عنوان معاونت مسیری متفاوت با زمانی را طی خواهیم کرد که معاونت را عنوانی قانونی به شمار آوریم و تحقق آن را با ملاک‌های حقوقی ارزیابی کنیم. اساساً عناوین عرفی با

نوعی مسامحه در تطبیق بر مصادیق ادعایی جاری اند؛ حال آن که عناوین قانونی اغلب با معیارهای تخصصی و بدون مسامحه جریان می‌یابد. در حل این مسأله، نکته‌ی اساسی این خواهد بود که آیا بدون مداخله‌ی قانون‌گذار می‌توان معاونت را با معیارهای عرفی شناسایی کرد.

در نظام حقوقی ایران پذیرش معاونت در جرم‌های غیر عمدی با توجه به نصوص قانونی موجود دشوار می‌نماید و پرداختن بدان ناظر به مسائل فنی محاکم یا دادسراها نیست. سخن گفتن از معاونت در جرم غیر عمدی نیازمند آن است که ابتدا از جنبه‌ی نظری امکان تحقق آن در نظامی منسجم نشان داده شود، سپس مصادیقی واقعی از آن که حقوق جنایی نمی‌تواند نسبت به آن‌ها بی‌توجه باشد، معین گردد و در پایان، فایده‌ای برای جرم دانستن معاونت در جرایم غیر عمدی متصور باشد.

نوشتار حاضر با طی این سه مرحله، به قانون‌گذار پیشنهاد می‌دهد تا با بسط مصادیق معاونت در جرم، گامی موثر در جهت کنترل بزهکاری بردارد.

۱. مبانی نظری معاونت در جرم غیر عمدی

از منظر فقهی، معاونت در جرم‌های غیر عمدی با توجه به خروج رفتارهای غیر عمد از شمول عنوان گناه و ملازمه‌ی گناه و جرم منتفی است. در نظام حقوقی حاضر نیز نحوه‌ی نگارش قانون ایده‌ی این مقاله را آشکارا پشتیبانی نمی‌کند؛ لذا صبغه‌ی بحث حاضر عمدتاً نظری است.

۱-۱. عدم لزوم وحدت قصد در تحقق معاونت

وحدت قصد یا همانندی خواست افراد درگیر در یک فعالیت جمعی^۱، به معنای هم‌سوئی ذهنی همه‌ی کنش‌گران بر هدفی واحد است. دسته‌ای از حقوق‌دانان، احراز وضعیت مذکور را شرط معاونت در جرم قلمداد کرده و تحقق آن را در جرم‌های غیر عمدی ناممکن می‌دانند. به باور ایشان، انتفای قصد نزد مباشر در جرم‌های غیر عمدی، ناگزیر هم‌گرایی قصد او با معاون را مخدوش می‌سازد

۱. مقصود از «جمع»، مفهوم متبادر از این واژه در زبان فارسی است که به اجتماع حداقل دو نفر اطلاق می‌شود.

(اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۱۹؛ توانا و میلکی، ۱۳۹۳: ۱/۳۷۲؛ محسنی، ۱۳۷۶: ۱۲۳). ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز به صراحت، احراز وحدت قصد را در تحقق معاونت شرط دانسته است. شرط مذکور که در نخستین تجربه‌های قانون‌گذاری نشانی از آن یافت نمی‌شود، در اصلاحات سال ۱۳۵۲ قانون مجازات عمومی به نظام حقوقی ایران راه یافت. از آن زمان تاکنون به رغم چرخش‌های مقطعی سیاست‌گذاران کیفری به ویژه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وحدت قصد همواره به منزله‌ی شرط تحقق معاونت در جرم مانده و دلیل اصلی قائلان به عدم امکان تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی را تشکیل می‌دهد.

به نظر می‌رسد که وحدت قصد، بیان‌گر یک قاعده‌ی عام در باب معاونت نیست؛ بلکه تنها موارد متضمن قصدهای ناهمسان را از شمول عنوان معاونت خارج می‌سازد. به عبارت دیگر، مفاد تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۶ به کلی منصرف از فرض معاونت در جرم‌های غیر عمدی است و تنها ناظر به آن دسته از مداخلات عمدی است که اطراف آن، یعنی مقدمه‌ساز و مباشر به واسطه‌ی تفاوت در کیفیت (نوع یا شدت) قصد، خواسته‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند؛ مانند این که مقدمه‌ساز به قصد تسهیل سرقت مداخله کند اما مباشر مرتکب قتل شود؛ یا این که وی به قصد ایراد جراحت سلاح را در اختیار مباشر قرار دهد و شخص اخیر از سلاح دریافتی برای ارتکاب قتل استفاده نماید.

چنین تفسیری از محتوای تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۶ با اصول و قواعد حقوق کیفری نیز هماهنگ به نظر می‌رسد؛ زیرا قاصد بودن مباشر، شرط تحقق جرم عمدی است و نه معاونت در مطلق جرم^۱. بدیهی است چنان‌چه جرم اصلی از قصد مباشر بی‌نیاز باشد، صدق معاونت در آن نیز به انتفای موضوع محتاج چنین قصدی نخواهد بود. با این وجود، معاونت در جرم، جرمی عمدی و تابع قواعد عمومی جرم است که مساعدت به مباشر^۲ با علم به پیامد مجرمانه‌ی رفتار وی برای تحقق آن کفایت می‌کند (محمدی و عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۰: ۴۹). با این تبیین، هر گاه

۱. از منظر فقهی، با توجه به پیوند مفاهیم حرمت و عمد، قصد مباشر در زمره‌ی شرایط تحقق «معاونت در اثم» قرار می‌گیرد (بنگرید به: منتظری، ۱۳۸۴: ۳۶۸؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹: ۸۱/۲؛ انصاری، ۱۳۵۰: ۹۱/۲).
 ۲. مراد مواردی است که مباشر در عمل از خاصیت تسهیل‌کنندگی یک رفتار بهره‌مند شده است.

کسی با آگاهی از ماهیت جنایی رفتار دیگری، عمل وی را تسهیل کند، معاون جرم محسوب می‌شود؛ هر چند مرتکب از روی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی مرتکب جرم شده باشد. شهود اخلاقی بشر نیز مقدمه‌سازان آگاه از ماهیت جنایی یک رفتار را صرف نظر از وضعیت روانی مباشر، مسئول و مستحق سرزنش شناخته و مداخلت قصد مباشر در تعقیب و عقوبت معاون را موجه نمی‌انگارد.

بدین‌سان، هرچند که بیان مقنن در باب ضرورت احراز وحدت قصد مداخله‌کنندگان از حیث عمدی یا غیر عمدی بودن معان‌علیه اطلاق دارد، با این وجود، ناسازگاری این حکم با اصول حاکم بر حقوق کیفری و نادرست بودن آن از منظر آموزه‌های اخلاقی می‌تواند به مثابه قرائنی موجه و در خور اعتنا برای وانهادن تفسیر لفظی عبارت مقنن و دست کشیدن از اطلاق آن مد نظر قرار گیرد. بنابراین شرط وحدت قصد بیش از آن که بر لزوم قاصد بودن مباشر دلالت کند باید در پرتو وابستگی منطقی و عرفی بر ساخت معاونت، به قصد مقدمه‌ساز تفسیر گردد

استدلال عمده‌ی مخالفان تحقق معاونت در جرم‌های غیر عمدی بر این پیش‌فرض استوار است که مدلول انحصاری واژه‌ی قصد، «قصد جزمی» است. بدین ترتیب شاید بتوان با توسعه‌ی مفهوم قصد و پذیرش اعتبار قصد احتمالی، فروضی را تصور کرد که با لحاظ معیار وحدت قصد نیز مصداق معاونت در جرم غیر عمدی قلمداد شود.^۱ قصد احتمالی توصیف وضعیت روانی فردی است که به رغم آگاهی از این‌که ممکن است رفتارش به یک مصلحت مورد حمایت خدشه وارد کند یا یک وضعیت مجرمانه را محقق کند، بدون یقین به وقوع آن وضعیت، بر رفتارش پافشاری می‌کند (Robert, 1992: 350; Bouzat et Pinatel, 1975: 189)؛ مانند این‌که راننده‌ای بر فراز یک ناهمواری جاده‌ای فاقد دید مناسب بر سرعت وسیله‌ی نقلیه‌ی تحت هدایت خود بیفزاید و در اثر برخورد با اتومبیل دیگر، سبب مرگ سرنشینان آن شود (Pin, 2009: 156; Stéfani, Lévassieur et Bouloc, 1992: 207)، یا اینکه شخصی عمداً و بدون قصد قتل، ضربات متعددی به دیگری وارد کند و ضربات وارده سبب مرگ مضروب شود (Garraud, 1899: 544).

۱. برخی مثال‌های حقوق دانان برای اثبات «امکان وقوع معاونت در جرم‌های غیر عمدی» بر قصد احتمالی تکیه دارد. به عنوان نمونه، بنگرید به: اخوت، ۱۳۸۵: ۱۵۱؛ میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۴۳۲.

قوانین کیفری کشورهای نظیر فرانسه^۱ و لبنان^۲ احراز وضعیت ذهنی مذکور را برای تحقق رکن روانی پاره‌ای از جرایم و تعقیب مرتکبان آن‌ها کافی دانسته است. با این وجود قصد احتمالی، قصد به معنای واقعی کلمه نبوده بلکه فی‌نفسه ظنی است که قانون‌گذار حسب مورد آن را در ردیف جرم قرار داده است.^۳ بدین‌سان، قصد مذکور به خلاف قصد جرمی در قامت ضابطه‌ای عام و قابل استناد در همه‌ی جرم‌ها ظاهر نشده و تمسک به آن تنها در محدوده‌ی مصرح قانونی مجاز است.

۱-۲. واقعی بودن عنوان معاونت

عناوین حسب پیوندی که با قصد برقرار می‌سازند، به دو دسته‌ی قصدی و واقعی قابل تفکیک اند. تحقق عنوان قصدی مانند مالکیت و زوجیت منوط به احراز قصد مرتکب برای تحقق آن است؛ اما عناوین واقعی به قصد مرتکب نیازمند نبوده و در غیاب آن نیز محقق می‌شود. جای گرفتن معاونت ذیل عناوین واقعی ممکن است به ایجاد این ذهنیت منجر شود که صدق معاونت در جرم در گرو احراز رکن روانی مقدمه‌ساز نبوده بلکه تنها لازم است تا رفتار وی در عمل سبب تسهیل ارتکاب جرم شود.

گروهی از فقیهان قائل به «واقعی بودن معاونت» نیز با تمسک به جواز استعمال اصطلاح معاونت در خصوص افعال افراد غیر قاصد و ناآگاه، معتقدند که در صدق عنوان «معاونت در حرام»، قصد و آگاهی شرط نیست (موسوی خویی، ۱۹۹۲: ۲۳۱/۱). در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که بروز شبهه‌ی تحریمی‌های موضوعیه و جریان یافتن اصل برائت، مانع از این است که

۱. مواد ۱۴-۲۲۲ و ۱۰-۳۲۲ قانون مجازات فرانسه به ویژه ماده‌ی ۲-۲۱۲ همین قانون.

۲. با توجه به اطلاق و عموم ماده‌ی ۱۸۹ قانون العقوبات، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار لبنانی قصد احتمالی را مطلقاً و صرف نظر از جرم ارتکابی، به قصد جرمی ملحق نموده است. مطابق ماده‌ی مذکور: «هرگاه پیامد یک فعل یا ترک فعل از قصد مرتکب تجاوز نماید، جرم عمدی محسوب می‌شود؛ مشروط به این که حصول نتیجه‌ی مجرمانه‌ی واقع شده قابل پیش‌بینی بوده و مرتکب ریسک آن را پذیرفته باشد».

۳. رویه‌ی قضایی و دکتربین فرانسه مفاد مواد ۳۱۲ و ۴۳۴ قانون مجازات سابق را به واسطه‌ی استثنایی بودن قابل تسری به موارد غیر منصوص ندانسته‌اند. بنگرید به: صدارت، ۱۳۴۰: ۲۳۰/۱.

«تمهید مقدمات فعل غیر بدون اطلاع از ترتب حرام» اعانه‌ی بر حرام محسوب شود (ایروانی نجفی، ۱۳۷۹: ۱/۱۵).^۱

بروز این ایده‌های ناهمگون در نوشتگان فقهی، به ویژه با توجه به اختلاف آراء فقیهان در خصوص حکم اعانت بر اثم، امری غیر قابل اجتناب به نظر می‌رسد و بدین ترتیب، تبیین حکم شارع در باب حرمت یا جواز اعانه بر اثم نقش غیر قابل انکاری در شناسایی و احصای عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن ایفا می‌نماید. بدیهی است در حقوق کیفری به دلیل تعیین ممنوعیت و همبستگی مفاهیم جرم و مجازات، بسستر بروز چنین اختلاف نظری فراهم نیست. بدین‌سان، حتی به فرض پذیرش عدم اعتبار آگاهی در ساخت عرفی معاونت، شرط بودن آن در تحمیل مجازات بر مقدمه‌ساز را نمی‌توان منکر شد. از این رو، ناگزیر باید آگاهی را شرط تحقق معاونت در جرم به شمار آورد؛ زیرا از یک سو مجازات مقدمه‌ساز حداقل نیازمند آگاهی است و از سوی دیگر جرم رفتاری است که برای آن مجازات پیش‌بینی شده است.

۱-۳. عدم لزوم عمدی بودن معان‌علیه در تحقق معاونت

معان‌علیه اصطلاحی فقهی برای اشاره به حرامی است که در پی رفتار معاون و در نتیجه‌ی بهره‌گیری از ظرفیت تسهیل‌کننده‌ی آن پدید می‌آید. بدین ترتیب «معان‌علیه واقعه‌ای اعم از رفتار و نتیجه بوده و برای تشخیص آن باید به این نکته توجه کرد که معاون از رفتار خویش چه هدفی را دنبال کرده است؛ کمک به مجرم در ارتکاب رفتار یا مساعدت به وی برای نیل به نتیجه‌ی رفتار» (محمدی و عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۳: ۶۴).

جرم‌انگاری رفتار غیر عمدی و جواز ابراز واکنش کیفری در برابر مرتکب معان‌علیه، نخستین و بدیهی‌ترین پیش‌نیاز تحقق معاونت در جرم غیر عمدی است؛

۱. ثمره‌ی بحث مرحوم ایروانی مورد پذیرش است، اما استدلال اقامه شده از سوی ایشان از دو جهت قابل خدشه به نظر می‌رسد. نخست این‌که، در حوزه‌ی تشخیص معانی و موضوع له الفاظ نمی‌توان به اصول عملیه استناد کرد؛ دوم این‌که، چندان‌که ایشان نیز می‌پذیرند، در صورتی که در تحقق اعانه تهیه‌ی مقدمات کافی باشد، حرمت معان‌علیه برای انصاف عمل معین به عنوان «اعانه بر اثم» کافی خواهد بود و استدلال ایشان تنها ناظر به حکم اعانه‌ی مذکور خواهد بود که در صورت عدم علم قطعاً آن حکم نمی‌تواند حرمت باشد (محمدی و عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۳: ۶۵).

با این وجود، پذیرش این مطلب به هیچ روی مستلزم بی‌اعتباری قصد و آگاهی معاون نیست؛ زیرا واقعی بودن معاونت خللی به شرط بودن «آگاهی» در جرم بودن عمل وارد نمی‌سازد و شکل‌گیری قصد اعانه در معاون یا آگاهی وی نسبت به وصف اعانتی رفتار خویش نیز جز از رهگذر قصد معان‌علیه یا آگاهی از وقوع آن امکان‌پذیر نیست.

۲. تطبیق مصداقی

قائلان به امکان تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی، برای توجیه نظریه‌ی خویش به مثال‌هایی تمسک کرده‌اند که گاه با اصول حقوقی ناسازگار به نظر می‌رسد. در ادامه به بررسی مواردی پرداخته می‌شود که به رغم شباهت، ذیل مصداق معاونت در جرم غیر عمدی قرار نمی‌گیرد.

۲-۱. معاونت در ارتکاب رفتار متضمن تقصیر (رفتار منشأ جرم)

گروهی از حقوق‌دانان، وقوع قتل یا ایراد جراحت و صدمات مشابه به عابر را که در نتیجه‌ی تحریک و تشویق راننده به افزودن سرعت و رانندگی با سرعت غیر مجاز صورت گیرد، مصداق معاونت در جنایت غیر عمدی دانسته^۱ و معتقدند سوء نیت احتمالی یا «قابل پیش‌بینی بودن»، سرزنش کیفی مباشر و محرک در قتل و جرح غیر عمدی را توجیه می‌کند (گلدوزیان، ۱۳۷۷: ۲۶۵). بدین ترتیب، معاونت «همکاری برای تحقق بخشیدن به نیت بزهکارانه نیست»؛ بلکه «همکاری در ارتکاب عمل مجرمانه» است (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۵: ۷۷) و منظور از «وحدت قصد»، وجود وحدت در آن میزان قصدی است که در این گونه جرایم از مباشر انتظار می‌رود؛ یعنی قصد انجام فعل ارتكابی (رانندگی غیر مجاز) بدون قصد نتیجه (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۳۲).

قانون‌گذار در برخی مواد قانونی نظیر ماده‌ی ۱ قانون اخلاص‌گران در صنایع

۱. از محتوای مثال بیان شده نباید قابلیت انحصاری افعال القایی استنباط شود. برای مشاهده‌ی مثال‌هایی که وجود سوء نیت احتمالی در رفتارهای مساعدتی نظیر دادن اتومبیل به شخص فاقد پروانه؛ و امکان تحقق معاونت از این طریق را پذیرفته است، بنگرید به: اخوت، ۱۳۸۵: ۱۵۱.

مصوب ۱۳۵۳^۱، ماده‌ی ۳ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶^۲، ماده‌ی ۴۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲^۳ و ماده‌ی ۴ قانون اخلاص گران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶^۴، قصد احتمالی مباشر را برای مسئول شناختن وی در قبال نتایج ناخواسته^۵ رفتارش کافی دانسته است^۶،

۱. بر اساس ماده‌ی مذکور، در صورتی که قرار دادن عمدی و توأم با سوء نیت مواد منفجره در هر قسمت از ابنیه، معابر، دستگاه‌ها یا تأسیسات فرودگاه‌ها یا واحدهای عمده‌ی شرکت‌هایی نظیر شرکت ملی ذوب آهن ایران، شرکت سهامی مس سرچشمه کرمان یا شرکت‌های فرعی و واحدهای تابع آن‌ها به قتل نفس بینجامد، مرتکب به مجازات اعدام (مجازات پیش‌بینی شده برای ارتکاب قتل عمدی در ماده‌ی ۱۷۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴) محکوم می‌شود.

۲. به موجب این ماده، مرگ مصرف‌کننده‌ی مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی تقلبی، مستوجب محکومیت سازنده به مجازات اعدام است.

۳. مطابق مندرجات این ماده، به هم خوردن امنیت کشور یا شکست جبهه‌ی اسلام در نتیجه‌ی خوابیدن ارادی شخص نظامی در مقابل دشمن و مجاربان، محکومیت وی به مجازات محاربه را در پی دارد. در ماده‌ی مذکور، مقنن خوابیدن ارادی نظامی در چنین شرایطی را ضابطه‌ی احراز قصد خاص وی مبنی بر «براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی» دانسته است.

۴. به موجب این ماده، قتل ناشی از ارتکاب اقدامات مذکور در مواد ۲ و ۳ این قانون، محکومیت به مجازات اعدام را به دنبال دارد.

۵. مقصود نتیجه‌ای است که مباشر خواهان ترتب آن نبوده اما احتمال بالای وقوع آن از دید هر انسان متعارفی از جمله خود مرتکب محرز بوده است.

۶. ممکن است برخی پیش‌بینی مجازات اعدام برای مرتکبان جرایم موضوع موارد ۱، ۲ و ۴ فوق (یعنی جرایم مندرج در ماده‌ی ۱ قانون اخلاص گران در صنایع، ماده‌ی ۳ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی و ماده‌ی ۴ قانون اخلاص گران در صنایع نفت ایران) را صرفاً از دریچه‌ی «تشدید مجازات مرتکب به اعتبار اهمیت پیامد مترتب بر رفتار وی» نگریسته و آن را نشانه‌ای بر تمایل مقنن بر انتساب قتل عمدی به مرتکب قلمداد نکنند. این در حالی است که تفاوت موضع اتخاذ شده از سوی مقنن در موارد فوق‌الذکر در مقایسه با موارد مشابه دیگری نظیر نزاع دسته‌جمعی منتهی به قتل (حکم ماده‌ی ۱۷۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ مبنی بر محکومیت منازعه‌کنندگان به یک تا سه سال حبس تأدیبی) یا مرگ مترتب بر فروش و عرضه‌ی جنس فاسد (بند ۴ ماده‌ی ۲ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶) را می‌توان نشانه‌ای بر این امر دانست که «اهمیت پیامد مترتب بر رفتار» را نمی‌توان ضابطه‌ی انحصاری مقنن برای افزایش دو درجه‌ای شدت واکنش کیفری و تبدیل «حبس موقت با اعمال شاقه» به سخت‌ترین مجازات کیفری یعنی اعدام دانست. از این رو، به اعتقاد نگارندگان مقاله، آنجا که رفتارها به مقصد مشترکی (وقوع مرگ) ختم می‌شوند، ناهمگونی نوع و شدت پاسخ کیفری محصول توجه مقنن به «تفاوت درجات بی‌پروایی نهادینه شده در رفتارهای مختلف» و پیش‌بینی ضمانت اجرا بر پایه‌ی تلقی ذهنی‌اش از شدت و ضعف آن است. بدین ترتیب، قانون‌گذار تلف ناخواسته‌ی نفوس در نتیجه‌ی ارتکاب رفتارهایی مانند «قرار دادن عمدی مواد منفجره در تأسیسات فرودگاه‌ها» را امری شایع و بسیار محتمل ارزیابی کرده و حکم قتل

اما تسلط بلا منازع اصل عمدی بودن جرایم بر قلمرو کیفری، مانع از تسری حکم این مواد به خارج از محدوده‌های مصرح قانونی از جمله معاونت می‌شود. بنابراین هم‌چنان که اعتبار استثنایی قصد احتمالی در برخی جرایم مانند قتل و اخلاص در امنیت، اعمال این ضابطه در سایر جرایم را جایز نمی‌سازد، صرف «توانایی بالقوه‌ی مقدمه‌ساز^۱ بر پیش‌بینی وقایع محتمل» نیز نمی‌تواند تحقق معاونت در جرم غیر عمدی و مسئولیت وی در برابر جرم مباشر را در پی داشته باشد؛ زیرا برای تحقق معاونت، به عنوان جرمی مستقل^۲ و تابع قواعد عمومی جرایم، «همکاری ارادی معاون در ارتکاب یک رفتار جنایی» (Rassat, 2004: 411; Pradel, 1994: 459) و هم‌چنین آگاهی وی از «ماهیت اعانتی رفتار خویش» ضروری است.

در حقوق فرانسه نیز رویه‌ی قضایی و برخی از نویسندگان، اطلاق مواد ۵۹ و ۶۰ قانون مجازات سابق و ۶-۱۲۱ و ۷-۱۲۱ قانون مجازات فعلی از حیث عدم تصریح به عمد یا غیر عمد بودن جرم کانونی را مستمسک اثبات ادعای خویش در خصوص امکان تحقق معاونت در تمامی جرایم و از جمله جرم‌های غیر عمدی قرار داده‌اند. برخی حقوق دانان «تصدیق همگانی» مبنی بر عدم لزوم احراز قصد مقدمه‌ساز در تحقق «معاونت در جرم» را موید امکان وقوع معاونت در جرم‌های غیر عمدی قلمداد کرده؛ اما تفکیک میان دو فرض را ضروری دانسته‌اند. به باور ایشان، تشویق راننده به افزودن سرعت، توسط شخصی که کنار وی نشسته است، بر قواعد و مقررات شرکت در جرم (و نه معاونت در آن) قابل تطبیق است^۳؛ در حالی که عاریه دادن اتومبیل به راننده‌ی فاقد گواهی‌نامه‌ی رانندگی، البته به شرط آگاهی از این شرایط، به واسطه‌ی ایفای یک نقش غیر مستقیم و فرعی در حادثه‌ی

عمد را بر آن مترتب ساخته است؛ حال آن که در مواردی چون عرضه‌ی مواد فاسد و شرکت در نزاع دسته جمعی، وقوع قتل را از زاویه‌ی اتفاق و استثنا نگریسته و به حبس موقت اکتفا کرده‌است.

۱. اعم از القاکننده، آموزش‌دهنده و تسهیل‌کننده.

۲. مقصود از جرم مستقل، جرمی است که مستند به نهی قانونی صریح و متکی به مجازات بوده و بر ارکان مادی و روانی اختصاصی بنا شده باشد. از این منظر، معاونت جرمی مستقل است که استقلال آن منافاتی با استعاری بودنش ندارد؛ زیرا استعاری دانستن معاونت ملازمه‌ای با نفی ارکان اختصاصی آن نداشته و تنها متضمن این نکته است که صدق معاونت در جرم، ذاتاً و منطقیاً مشروط به وقوع معان‌علیه مجرمانه اعم از عمدی یا غیر عمدی است.

۳. البته در صورتی که رفتار مذکور به قتل یا ایراد سایر صدمات جسمی غیر عمدی منتهی شود.

پیش آمده، بدون تردید مصداق معاونت در جرم است (Merle, 1957: 197). با این وجود پاره‌ای از حقوق دانان فرانسوی معتقدند تحقق رفتارهای سازنده‌ی معاونت که در قانون احصا شده است، مستلزم اتفاق نظر مباشر و معاون برای دستیابی به یک نتیجه‌ی مشخص و معلوم است (Leroy, 2007: 292).

۲-۲. مساعدت در ارتکاب قتل خطئی

بدون تردید هر گاه شخصی به رغم آگاهی از قصد مباشر مبنی بر تیراندازی به شخصی و قتل وی، سلاحی در اختیار او قرار دهد اما به واسطه‌ی بروز خطا در هدف‌گیری، شخص دیگری به قتل برسد، قتل ارتكابی خطئی تلقی می‌شود. در چنین فرضی ممکن است تصور شود که عمل دهنده‌ی اسلحه نیز به تبعیت از وصف جرم ارتكابی مباشر، مصداق معاونت در جرم غیر عمدی است (شامبیاتی، ۱۳۷۲: ۲۲۷/۲). به رغم ارتكاب رفتار مادی و فراهم بودن رکن روانی در فرض مذکور، حداقل به دو دلیل به شرح زیر نمی‌توان آن را مصداق معاونت در جرم غیر عمدی قلمداد نمود:

نخست، هماهنگی قصدهای مباشر و دهنده‌ی اسلحه به ترتب معان‌علیه منجر نشده است: فقها شرط بودن ترتب معان‌علیه در صدق معاونت را از «اضافی بودن» عنوان اعانه استنباط کرده‌اند. به باور ایشان، معاونت عنوانی اضافی است که قائم بر معان، معین و معان‌علیه است (منتظری، ۱۴۱۷: ۳۱۷/۲). در حقوق کیفری مداخلت این شرط را افزون بر تمسک به استدلال فقهی پیش‌گفته، می‌توان از قسمت اخیر بند الف ماده‌ی ۱۲۶^۱ و صدر تبصره‌ی آن^۲ نیز دریافت.

۱. عبارت «موجب وقوع جرم گردد» در انتهای این بند، بیان‌گر این نکته است که دسیسه، فریب و سوء استفاده از قدرت، تنها در صورتی می‌تواند به عنوان رفتار فیزیکی معاونت مورد توجه قرار گیرد که به تحقق جرم در عالم خارج منتهی شود.

۲. اشاره‌ی متن تبصره به لزوم تقدم رفتار معاون بر رفتار مباشر یا اقتران زمانی آن‌ها، ظاهر در این دارد که برای تحقق معاونت در جرم، فعلیت یافتن رفتار مرتکب و معاون ضروری است. البته ماده‌ی ۲۸ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و نسخه‌ی اصلاحی آن مصوب ۱۳۵۲، به واسطه‌ی استعمال ترکیب اضافی «معاون مجرم»، در این خصوص (یعنی ضرورت ترتب معان‌علیه) از صراحت بیشتری برخوردار بوده است. (بنگرید به: عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۳: ۱۴).

قانون‌گذار در ماده‌ی ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی قید «فرد معین» را در تعریف جنایت عمدی لحاظ کرده است. بدین ترتیب، اصل عمدی بودن جرایم مقتضی این است که انتساب جرم قتل به مداخله‌کنندگان اعم از مباشر و معاون، جز در مواردی که قانون‌گذار خلاف آن را اراده کرده، متوقف بر احراز قصد ایشان مبنی بر «سلب حیات از شخص معین» باشد. بنابراین به‌رغم این که شناسایی استثنایی^۱ جنایت غیر عمدی توسط قانون‌گذار، اعتبار این قید در مجرمیت مباشر را زائل می‌سازد، اما ملازمه‌ای با عدم اعتبار این قید در انتساب جرم قتل به معاون ندارد. بدین ترتیب، هر چند که وقوع قتل غیر عمدی به واسطه‌ی اصابت گلوله به شخصی غیر از شخص هدف (شخص مورد توافق مباشر و معاون) مسئولیت کیفری مباشر را در پی خواهد داشت، اما به اعتبار جرم ارتكابی^۲، مسئولیتی متوجه دهنده‌ی اسلحه نخواهد شد؛ چرا که به واسطه‌ی منتهی نشدن رفتار وی به ترتب معان‌علیه یعنی کشته‌شدن همان فرد معینی که دهنده‌ی اسلحه قصد همکاری (کمک‌رسانی) در قتل او را داشته، اساساً معاونتی شکل نگرفته است. با این وجود، نظر به «تعدد وصف عمل مرتکب^۳ به اعتبار تعدد اهداف^۴» و کفایت عملیات اجرایی ناتمام برای تحقق معاونت، امکان محکومیت دهنده‌ی اسلحه به معاونت در شروع به قتل عمدی هم‌چنان وجود دارد.

دوم، خطا و اشتباه اموری شخصی هستند و انتساب پیامدهای یک رفتار متضمن خطا یا تقصیر به شخصی غیر از فاعل آن چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. بدین ترتیب، در فرض مذکور نیز تبعات بروز اشتباه در هدف‌گیری تنها گریبان‌گیر مباشر بوده و به محکومیت دهنده‌ی اسلحه به معاونت در قتل غیر عمدی منجر نمی‌شود.^۵ افزون بر این، پیش‌بینی دیه به عنوان ضمانت اجرای اصلی قتل‌های غیر

۱. پیش‌بینی جرم‌های غیر عمدی در حقوق کیفری، اقدامی استثنایی است که تنها بر اساس ضرورت حراست از ارزش‌های بنیادین قابل توجیه است.

۲. مقصود قتل غیر عمدی ارتكابی است.

۳. منظور شروع به قتل عمدی به اعتبار هدف مقصود و وقوع قتل غیر عمدی (به اعتبار هدف مصدوم) است.

۴. اهداف متعدد عبارتند از: هدف به اعتبار شخصی که به‌رغم وجود قصد سوء نسبت به او، گلوله‌ای به وی اصابت نکرده است؛ و هدف به اعتبار شخصی که در عمل گلوله به وی برخورد کرده است.

۵. در صورت پذیرش این استدلال، به نظر می‌رسد که در صورت بروز اشتباه در هویت و وقوع قتل عمدی نیز

عمد اعم از شبه عمد و خطای محض؛ و عدم تعرض ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی به جرایم مستوجب دیه نیز می‌تواند قرینه‌ای بر عدم اعتقاد قانون‌گذار به مسئولیت کیفری و مجازات مقدمه‌ساز قتل غیر عمدی باشد. بدین ترتیب، حتی اگر تحقق معاونت در قتل غیر عمدی به لحاظ منطقی قابل تصور و پذیرش باشد، باز هم امکان مجازات معاون جز در قتل‌های شبه‌عمدی موضوع ماده‌ی ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵^۱ وجود ندارد.^۲

۲-۳. مداخله در قتل مهدورالدم غیر واقعی

به موجب ماده‌ی ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی، «اعتقاد نادرست به مهدورالدم بودن قربانی» از موجبات شبهه عمد محسوب شدن ارتكابی است؛ اما لازمه‌ی

نتوان دهنده‌ی اسلحه را به معاونت در قتل عمدی محکوم نمود.

۱. ماده‌ی ۶۱۶ از معدود مواد قانونی است که برای ارتکاب قتل غیر عمدی افزون بر دیه، مجازات تعزیری نیز پیش‌بینی نموده است. با این وجود، تنظیم ماده به گونه‌ای است که حکم آن منحصر به «قتل‌های شبهه‌عمدی متضمن تقصیر» اختصاص می‌یابد (برای ملاحظه‌ی نظر موافق و تفاسیر متعدد این ماده بنگرید به: میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

۲. به رغم پیش‌بینی حبس تعزیری مازاد بر دیه برای مرتکبان قتل‌های غیر عمدی موضوع ماده‌ی ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، در مقررات کیفری ایران مجازات معاون قتل غیر عمدی تنها از رهگذر قتل‌های شبه‌عمدی موضوع ماده‌ی ۶۱۶ همین قانون قابل تصور است؛ زیرا تحقق معاونت در قتل غیر عمدی به ویژه با توجه به دخیل دانستن قصد و آگاهی در شکل‌گیری مفهوم عرفی و قانونی اعانه، متوقف بر احراز دو شرط است: نخست، معاون قصد اعانت به مباشر در ارتکاب رفتار منشأ قتل داشته باشد و یا حداقل با آگاهی از «ظرفیت تسهیل‌گرانه‌ی رفتار خویش نسبت به رفتار مباشر»، در ارتکاب جرم مداخله کند؛ دوم، مقدمه‌ساز نتیجه‌ی مترتب بر رفتار مباشر یعنی قتل غیر عمدی شخص معین را قصد کند یا دست کم از منتهی شدن نوعی رفتار به آن آگاه باشد. در قتل‌های شبهه عمد تحقق این دو شرط متصور به نظر می‌رسد؛ مانند این که معاون به جهت اطلاع از وضعیت خاص و ناآشکار مجنی‌علیه نظیر ابتلا به بیماری قلبی یا به سر بردن در دوران نقاهت بعد از اعمال جراحی توان‌گیر، نوعاً کشنده بودن رفتار مباشر را احراز کند؛ ولی مرتکب به واسطه‌ی بی‌خبری از شرایط، نوعاً کشنده بودن رفتار خویش نسبت به مجنی‌علیه معین را در نیابد. اما در حوادث رانندگی منجر به قتل، به واسطه‌ی طبع خطایی جرم و فراغت قصد مرتکب از مجنی‌علیه معین، اساساً نمی‌توان از «مقدمه‌سازی قاصدانه برای قتل شخص معین» و «آگاهی از خصیصه‌ی نوعاً کشنده‌ی رفتار مباشر» سخن به میان آورد. بدین ترتیب، هرچند که دادن اتومبیل به فرد مست، بی‌احتیاط و فاقد تصدیق رانندگی، اقدامی غیر محتاطانه بوده و هر انسان متعارفی، انجامیدن آن به مرگ عابران ناشناس را محتمل ارزیابی می‌کند؛ لیکن به دلیل عدم توجه قصد مالک (دهنده‌ی اتومبیل) به قتل شخص معین، از عداد مصادیق معاونت در قتل غیر عمدی تخصصاً خارج می‌شود.

آن، صدق عنوان معاونت در قتل غیر عمدی بر «مداخلات غیر مستقیم در ارتکاب جرم» اعم از القای اندیشه‌ی مجرمانه، «ایجاد شرط یا رفع مانع ارتکاب جرم» و آموزش طریق ارتکاب جرم^۱ نیست. به کارگیری عبارت «به منزله خطای شبیه عمد» در تبصره‌ی ماده‌ی ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، متضمن این مطلب بود که اعتقاد اشتباه اما صادقانه‌ی مرتکب در خصوص مهدورالدم بودن قربانی، تنها سبب تسری حکم قتل شبه عمدی به چنین مواردی شده و ماهیت قتل را از عمدی به غیر عمدی تغییر نمی‌دهد.^۲ قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رویه‌ای متفاوت از قانون سال ۱۳۷۰ در پیش گرفت و به جای اختصاص ماده‌ای مستقل به موضوع «قتل با اعتقاد به مهدورالدم بودن قربانی» و بیان حکم آن، اعتقاد صادقانه اما خلاف واقع مرتکب را از موجبات «شبه عمدی محسوب شدن» جنایت قلمداد کرده است (قسمت اخیر بند ب ماده‌ی ۲۹۱). با این وجود به نظر می‌رسد که این اقدام قانون‌گذار اعتبار گزاره‌ی پیش‌گفته (صادق نبودن عنوان معاونت در قتل غیر عمدی بر موارد مساعدت به قاتل واجد اعتقاد خلاف واقع) را به ویژه با توجه به فراهم بودن همه‌ی ارکان و عناصر سازنده‌ی قتل عمدی خدشه‌دار نمی‌سازد. به کار رفتن عبارت «محسوب می‌شود» در صدر ماده‌ی ۲۹۱ نیز مؤید این مطلب است که قانون‌گذار در ماده‌ی مذکور ارائه‌ی تعریفی جدید از مفهوم فقهی «شبه عمد» را قصد نکرده است؛ بلکه در مقام احصای وضعیت‌هایی است که حسب مورد برخی ذاتاً شبه عمدی اند و برخی دیگر به اعتبار «باورهای شخص متحمل مجازات» یا «شناسایی مسئولیت غیر برای پرداخت دیه» می‌توانند در حکم شبه عمد تلقی شوند.

۱. برای آگاهی بیشتر در خصوص اشکال سه‌گانه‌ی معاونت در جرم و مصادیق آن، بنگرید به: عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۳: ۱۵.

۲. برخی نویسندگان نیز اشاره کرده‌اند که مقصود از عبارت «به منزله خطای شبیه عمد»، اسقاط قصاص و تحمیل پرداخت دیه بر شخص مرتکب است (بنگرید به: آقایانی، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

۳. کارکرد

سیطره‌ی آموزه‌های فایده‌گرا بر فرایند انعقاد^۱ و نضج دانش جرم‌شناسی به استقرار رهیافتی آینده‌نگر در بطن آن منجر شده است. از این رو، امروزه پیشگیری به مثابه رکنی غیر قابل انکار در تعریف جرم‌شناسی قلمداد شده (نجفی توانا، ۱۳۹۰: ۳۰-۲۹؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۸۴) و ضابطه‌ی موثر و ارزشمندی برای ارزشیابی و احراز کارآمدی یا ناکارآمدی مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری محسوب می‌شود. بدین ترتیب مطالعات جرم‌شناختی در فراهم آوردن قرائن اطمینان‌آور در خصوص ضرورت شناسایی، ابقا یا الغای راهبردهای کیفری نقش غیر قابل انکاری ایفا می‌کنند. معاونت در جرم‌های غیر عمدی نیز به اقتضای طبع کیفری خود همانند سایر مفاهیم و مقولات رایج در پهنه‌ی حقوق جنایی می‌تواند تحت تاثیر رویکردهایی واقع شود که با نگاهی هدفمند و فایده‌گرا، ضمن انگشت نهادن بر کاستی‌های تئوری مذکور و آسیب‌شناسی نحوه‌ی انعکاس قانونی آن، در بردارنده‌ی توصیه‌هایی عمل‌گرایانه در راستای بهبود کارکرد پیشگیرانه و افزایش کارآمدی آن باشند.

بر خلاف رویکرد غالب حقوق کیفری که مجازات معاون را اصولاً ثمره و سزای نقش‌آفرینی وی در فرایند تحقق جرم دانسته و با تمسک به مفاهیم استحقاق و بازپرداخت، جامعه‌ی مشروعیت و ضرورت بر قامت آن می‌پوشاند (باهری، ۱۳۸۴: ۲۴۷؛ صانعی، ۱۳۷۱: ۷۶/۲؛ محمدی و عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۰: ۴۵)، آموزه‌های جرم‌شناسانه معاون را به چشم مهیاکننده‌ی زمینه‌های ذهنی یا مادی ارتکاب جرم نگریده و اعمال مجازات کیفری نسبت به وی را جلوه‌ای از پیشگیری واکنشی^۲ قلمداد کرده و روایی آن را به رسالت ذاتی این دانش مبنی بر ضرورت شناسایی و مهار عوامل جرم‌زا مستند می‌کند (محمدی و عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۴: ۱۲۸؛ بابایی، ۱۳۹۰: ۱۴؛ Radzinowicz, 1965: 148).

۱. برای نمونه، بکار یا از پیشگامان دانش جرم‌شناسی ضمن تاکید بر دو مفهوم «رنج بازدارنده» و «ارباب»، مشروعیت تحمیل مجازات بر مجرم را از رهگذر «اقتضای ضرورت» یا «تامین سودمندی همگانی» توجیه می‌کند (بنگرید به: پرادل، ۱۳۸۸: ۵۰).

۲. جهت کسب اطلاعات تفصیلی در خصوص پیشگیری واکنشی، بنگرید به: میرکمالی و عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۹۲.

نگاه فایده‌گرا به مقوله‌ی معاونت در جرم و استفاده از آن به مثابه یک ابزار پیشگیرانه‌ی قدرتمند اقتضا می‌کند تا قلمرو حکمی آن به حدی وسعت یابد که تمام حالات بالقوه خطرناک و اشکال متنوع مداخله در فعالیت‌های جنایی را در بر گیرد. معاونت در جرم غیر عمدی به لحاظ منطقی مصداقی از معاونت در جرم و مشمول احکام آن است؛ لیکن قلمرو آن به مداخلات آگاهانه در فعالیت‌های جنایی غیر عمدی محدود بوده و زمینه‌سازی‌های ناآگاهانه‌ی توأم با بی‌پروایی شدید را شامل نمی‌شود؛ حال آن‌که ریسک رفتارهای آمیخته با قصد احتمالی نظیر «تحریک به افزودن سرعت در منطقه‌ی پر رفت و آمد و مسکونی» و «واگذاری فرمان وسیله‌ی نقلیه عمومی به شاگرد فاقد مهارت کافی در شب هنگام و در جاده‌ای کوهستانی» به قدری زیاد است که هر انسان متعارفی فاصله‌ی این رفتارها تا وقوع قتل را بسیار اندک ارزیابی کرده و اتخاذ تدابیری در راستای پیشگیری از بروز رفتارهای خطرناک و افزایش ضریب دقت و احتیاط شهروندان را اقدامی خردمندانه و متناسب با مصالح و مقتضیات زندگی ماشینی می‌پندارد.

نکته‌ی اساسی در این میان آن است که قانونگذار مجازات معاونت را همواره در تناسب با جرم اصلی تعیین کرده است؛ حال آن‌که جدا کردن سرنوشت مجازات معاون از مباشر می‌تواند مداخله‌ی کیفی در معاونت در جرم‌های غیر عمدی را موجه‌تر سازد؛ به ویژه آن‌که، گاه نمی‌توان معاون را حتی کمتر از مباشر قابل سرزنش دانست. از این رو، صرف نقض مصلحت‌آمیز ضوابط منطقی و عرفی حاکم بر تعریف مفاهیم و الحاق رفتارهای متضمن سوء نیت احتمالی به مقوله‌ی معاونت در جرم، راهکار تقنینی مناسب و قابل دفاعی نبوده و در مواردی به نتایج ناعادلانه می‌انجامد؛ زیرا معاونان جرم‌های غیر عمدی جملگی در وضعیت یکسان و مشابه به سر نمی‌برند؛ بلکه به اعتبار قاصد بودن یا نبودنشان و هم‌چنین به اعتبار ایفای نقش مستقیم یا غیر مستقیم در فراهم ساختن زمینه‌های مادی وقوع جرم^۱، با یکدیگر

۱. برخلاف معاونت در جرایم عمدی که معاون حسب مورد با «پروراندن انگیزه‌های مجرمانه در ذهن مرتکب» یا «تسهیل روند مادی ارتکاب جرم»، در جرم ارتكابی سهیم می‌شود، نقش معاون جرایم غیر عمدی به فراهم آوردن مستقیم یا با واسطه‌ی زمینه‌های مادی تحقق جرم غیر عمدی محدود می‌شود. حتی با اتخاذ رویکرد فایده‌گرا نسبت به مقوله‌ی معاونت و الحاق رفتارهای متضمن قصد احتمالی به مصداق معاونت در جرایم غیر عمدی نیز نمی‌توان گستره‌ی معاونت در جرایم غیر عمدی را به زمینه‌سازی‌های ذهنی توسعه داد؛ زیرا در مواردی نظیر

متفاوت و شایسته‌ی برخوردهای ناهمسان و افتراقی اند. بدیهی است برخورد افتراقی با دسته‌های مختلف «مداخله‌کنندگان در جرم‌های غیر عمدی» مستلزم پی‌ریزی نظامی متنوع از پاسخ‌ها و ضمانت اجراهاست که به قاضی امکان دهد در هر مورد، نوع و شدت واکنش را حسب شرایط و اوضاع و احوال حاکم تنظیم نماید. بدین ترتیب نگارندگان حاضر به رغم دارا بودن این اعتقاد که شرایط عرفی و منطقی صدق معاونت در مداخلات غیر عمدی توأم با قصد احتمالی فراهم نیست، به قانون‌گذار توصیه می‌کنند تا در کنار تبعیت از انگاره‌های سود بنیاد و توسعه‌ی حکمی معاونت به موارد منطقی‌ناسازگار، تدوین نظام پاسخ‌دهی افتراقی را در دستور کار قرار دهد و متناسب با کیفیات رفتار مساعدتی (یعنی بر حسب نحوه‌ی نقش‌آفرینی مقدمه‌ساز^۱ و احراز یا عدم احراز عنصر قصد)، واکنش نشان دهد.

تحریک به تجاوز از سرعت مطمئنه، محرک اصولاً در پی برانگیختن دیگری به ارتکاب قتل و زمینه‌سازی ذهنی برای آن نیست؛ بلکه صرفاً مباشر را به سمت و سویی سوق می‌دهد که وی با تبدیل وسیله نقلیه‌ی تحت هدایتش به ابزاری حادثه‌ساز، ناخواسته مقدمات مادی بروز جرم متناسب به خویشتن را مهیا می‌کند. بدین ترتیب در فرض اخیر، اقدام محرک انگیزه‌ی ارتکاب قتل را در نهاد مباشر شعله‌ور نمی‌سازد، بلکه تنها به منزله‌ی «نقش‌آفرینی غیر مستقیم در فرایند تحقق زمینه‌های مادی جرم» است.

۱. در جرایم غیر عمدی، معاون ممکن است به صورت مستقیم یا باواسطه در روند ایجاد زمینه‌های جرم مداخله نماید. دهنده‌ی اتومبیل به شخص مسست و بی‌پروا، با در اختیار گذاشتن ابزار ارتکاب جرم، به طور مستقیم در تهیه‌ی مقدمات جرم مداخله دارد، اما «محرک به تجاوز از سرعت قانونی» نقش غیر مستقیمی در فراهم کردن زمینه‌ها و مقدمات جرم ایفا می‌کند.

برآمد

۱- درج شرط «وحدت قصد» در عداد لوازم تحقق معاونت در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ سبب شد پاره‌ای از صاحب‌نظران مدعی شوند که در جرایم غیرعمدی، صدق معاونت منطقاً محال و نامتصور است. ایشان، با دستاویز قرار دادن شرط فوق‌الذکر و بر پایه‌ی تصورشان از «استبعاد هم‌سانی خواسته‌های افراد درگیر در فعالیت جنایی غیرعمدی»، کوشیدند برای دیدگاه خود مبنای نظری فراهم آورند. طرفداران معاونت در جرایم غیرعمدی در مقابل، ناسازگاری با مصالح و مقتضیات زمانه را دلیل ضعف و ناکارآمدی تبیین مذکور قلمداد کرده و با استعانت از ظرفیت ضابطه‌ی قصد احتمالی، «ضرورت احراز قصد و یا دست کم قطع مقدمه‌ساز» را با ضابطه‌ی «احتمال عقلایی ترتب جرم» جانشین کردند و بدین ترتیب از امکان اعانت در فرایند تحقق جرایم غیر عمدی، به شکل مطلق و از رهگذر تمامی رفتارهای احصا شده‌ی قانونی سخن به میان آوردند. به زعم اینان، مقدمه‌سازی آگاهانه برای ارتکاب یک رفتار مخاطره‌آمیز، موجب مسئولیت معاون در قبال نتایج محتمل مترتب بر آن رفتار است. لیکن این مبنا برای توجیه امکان معاونت در جرایم غیر عمدی محکم به نظر نمی‌رسد؛ زیرا با توسعه‌ی گسترده‌ی شمول یک قاعده‌ی استثنایی به غیر موارد مصرح و ارائه‌ی مفهومی مشوش از وحدت قصد، در عمل امکان وقوع معاونت غیر عمدی را شناسایی کرده است؛ حال آن‌که در حقوق کیفری، اصل عمدی بودن جرایم اقتضاء دارد که سرزنش معاون به خاطر نتیجه‌ای که «نه قاصد آن» بوده و «نه قاطع به وقوع آن»، امری استثنایی و خلاف قاعده انگاشته شود. طبقه‌بندی معاونت در زمره‌ی عناوین واقعی نیز نمی‌تواند ضعف نظریه‌ی اخیر مبنی بر «شرط ندانستن آگاهی مقدمه‌ساز در تحقق معاونت» و «جایگزینی آن با ظن صرف» را مرتفع سازد.

۲- قواعد منطقی و آموزه‌های اخلاقی، «معاونت مشروط به حضور مباشر قاصد» را بر نمی‌تابد. افزون بر این، گستره‌ی اطلاق هر کلام محدود به مؤلفه‌هایی است که صالح به تقیید آن است. از این رو، تمسک به اطلاق کلام مقنن در باب ضرورت احراز وحدت قصد و تسری آن به موارد معاونت در جرایم غیر عمدی، مستظهر به اصول حاکم بر فرایند فهم و تفسیر نصوص به نظر نمی‌رسد.

۳- پاره‌ای از حقوق دانان با نفی امکان و عدم امکان مطلق، به تفصیل روی آورده‌اند. نگارندگان حاضر نیز قول تفصیل را بر سایر اقوال مرجح می‌شمارند لیکن به خلاف اسلاف خویش، از تفکیک سلیقه‌ای و فاقد ضابطه‌ی رفتارهای سازنده معاونت، اجتناب کرده و صدق معاونت در جرایم غیر عمدی را افزون بر ناقص بودن مباشر، منوط به «توجه قصد معاون به معان‌علیه» یا «آگاهی وی از ماهیت مجرمانه‌ی رفتار مباشر» می‌دانند. بدین ترتیب، توسل به رفتارهای متضمن القا و تقویت انگیزه‌های مجرمانه نظیر تحریک و ترغیب که تبادل اندیشه‌ی مجرمانه میان مداخله‌کنندگان و در نتیجه «توجه قصد مباشر به جرم»، در آن‌ها مفروض و اجتناب‌ناپذیر است، هیچ‌گاه تحقق معاونت در جرم غیر عمدی را در پی نخواهد داشت. بدیهی است هر گاه وضعیت مجرمانه، به واسطه‌ی جهل مباشر به موضوع و در پی تشویق و ترغیب وی به ارتکاب رفتاری که از پیامد آن به کلی ناگاه است محقق شود، مورد از شمول معاونت خارج بوده و به دلیل اقوی بودن تاثیر سبب نسبت به مباشر، پیوند نزدیک‌تری با مباشرت معنوی برقرار می‌سازد؛ مانند این که شخصی با علم به کارکرد انفجاری یک دکمه، مباشر ناآگاه را صرفاً به فشار دادن آن تحریک کند یا این که به قصد ایراد صدمه‌ی شدید جسمانی به مسافران و با فریفتن سوزن‌بان راه آهن و متقاعدساختن وی نسبت به تاخیر قطار شب، او را برای صرف شام با خود همراه کرده و از این رهگذر موجبات مرگ مسافران را فراهم سازد.

۴- تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی از رهگذر «ارائه‌ی طریق ارتکاب جرم» نیز نامتصور به نظر می‌رسد؛ زیرا پیش‌شرط انتقال فنون و شیوه‌های ارتکاب جرم این است که طرفین رابطه‌ی آموزشی یعنی آموزگار و فراگیرنده، جرم معینی را به عنوان موضوع تعلیم و تعلم برگزیده باشند؛ حال آن که برای تحقق جرم غیر عمدی باید ناقص و ناآگاه بودن مباشر احراز شود. بدین سان در جرایم غیر عمدی، معاون شخصی است که اقدامات آگاهانه‌ی وی در رابطه با فراهم کردن شرایط فیزیکی ارتکاب جرم یا رفع موانع فیزیکی پیش روی آن، انتساب جرم به مباشر ناقص را منتفی نکند.

۵- این نوشتار در مقام امکان‌سنجی نظری تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی، سه بنیان نظری مستقل ارائه کرده است؛ لیکن در تفسیر بنیان‌های سلبی

یعنی «شرط نبودن وحدت قصد» و «ضرورت عمدی نبودن معان‌علیه»، راه افراط نمی‌پیماید. هم‌چنین در تبیین حدود و ثغور بنیان‌ایجابی یعنی «واقعی بودن معاونت» پا را از چارچوب حقوق کیفری فراتر نمی‌نهد، بلکه با تأکید بر شرط آگاه بودن معاون، راه را بر ترویج معاونت غیر عمدی می‌بندد با این وجود و نظر به ترجیح پیشگیری بر درمان، به مقنن توصیه می‌کند تا در کنار تدوین نظامی متنوع از پاسخ‌ها، حکم معاونت در جرایم غیر عمدی را به موارد مخاطره‌آمیز منطقی‌تاً ناسازگار نیز تسری دهد..

منابع

- اخوت، محمدعلی، «تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی»، تهران: صابریون، ۱۳۸۵.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: میزان، ۱۳۹۳.
- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، تحقیق و تعلیق: سید محمد کلانتر، جلد دوم، نجف: منشورات جامعه النجف الدینی، ۱۳۵۰ هجری شمسی.
- ایروانی نجفی، میرزا علی، حاشیه المکاسب، جلد نخست، قم: نجفی، ۱۳۷۹ هجری قمری.
- آقایی نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (جنایات)، تهران: میزان، ۱۳۸۷.
- بابایی، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی، تهران: میزان، ۱۳۹۰.
- باهری، محمد و داور، علی اکبر خان و شکری، رضا، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، مقارنه و تطبیق، تهران: مجد، ۱۳۸۴.
- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، برگردان: علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: سمت، ۱۳۸۸.
- حمیدی، منوچهر، معاونت در ارتکاب جرم، تهران: صبح امروز، ۱۳۵۱.
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: پازنگ، ۱۳۷۲.
- شیرمحمدی، اصغر، حقوق جزای عمومی، تهران: جاودانه جنگل، ۱۳۹۳.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۱.
- صدارت، علی، «آیا در جرم غیر عمدی معاونت قابل تصور است؟»، مجله‌ی کانون وکلا، شماره‌ی ۹۳، ۱۳۴۳.
- صدارت، علی، حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: کانون معرفت، ۱۳۴۰.
- عباس‌زاده امیرآبادی، احسان، مشارکت جنایی در حقوق ایران و فرانسه با رویکرد جرم‌شناسی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده‌ی معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۳.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: میزان، ۱۳۷۷.
- محسنی، مرتضی، پدیده جنایی: مسئولیت کیفری، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶.
- محمدی، قاسم و عباس‌زاده امیرآبادی، احسان، «ارکان معاونت در اثم»،

- پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره‌ی ۳، ۱۳۹۳.
- محمدی، قاسم و عباس‌زاده امیرآبادی، احسان، «*رویکرد جرم‌شناختی به مقوله‌ی مشارکت جنایی*»، فصل‌نامه‌ی پژوهش حقوق کیفری، شماره‌ی ۱۲، پاییز ۱۳۹۴.
- محمدی، قاسم و عباس‌زاده امیرآبادی، احسان، «*معاونت در جرایم غیر عمدی*»، پژوهش‌های حقوقی، شماره‌ی ۲۰، ۱۳۹۰.
- مرعشی شوشتری، محمدحسن، *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*، جلد دوم، تهران: میزان، ۱۳۷۹.
- منتظری، حسین‌علی، *دراسات فی المكاسب المحرمه*، جلد دوم، قم: مکتب آیت‌الله العظمی المنتظری، ۱۴۱۷ هجری قمری.
- منتظری، حسین‌علی، *مجمع الفوائد*، تهران: سایه، ۱۳۸۴.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه فی المعاملات*، به قلم: محمدعلی توحیدی، جلد نخست، بیروت: دارالهادی، ۱۹۹۲ میلادی.
- میرکمالی، سید علیرضا و عباس‌زاده امیرآبادی، احسان، «*نقش اسناد هویتی در پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته*»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره‌ی ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- میرمحمدصادقی، حسین، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: میزان، ۱۳۹۲.
- میرمحمدصادقی، حسین، *جزوه‌ی درس حقوق جزای عمومی*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۷۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- نجفی توانا، علی و میلکی، ایوب، *حقوق جزای عمومی (تحلیلی انتقادی تطبیقی)*، جلد نخست، تهران: جنگل جاودانه، ۱۳۹۳.
- نجفی توانا، علی، *جرم‌شناسی*، تهران: آموزش و سنجش، ۱۳۹۰.
- نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران: کانون وکلای دادگستری، ۱۳۷۵.
- Bouzat, Pierre et Pinatel, Jean, *Traité de Droit Pénal et De Criminologie*, Tome 3, Paris: Dalloz, 1963.

Garraud, René, ***Traité Théorique et Pratique du Droit Pénal Français***, Tome 1, Paris: Librairie de la société du recueil général des lois et des arrêts, 1899.

Leroy, Jacques, ***Droit Pénal Général***, Paris: LGDJ, 2007.

Merle, Roger ***Droit Pénal Général Complémentaire***, Paris: PUF, 1957.

Pradel, Jean, ***Droit Pénal Général***, Paris: Cujas, 1994.

Radzinowicz, Leon, ***Où en est la Criminologie?***, Paris: Cujas, 1965.

Rassat, Michèle - Laure, ***Droit Pénal Général***, Paris: Ellipses, 2004.

Robert, Jacques - Henri, ***Droit Pénal Général***, Paris: Presses Universitaires de France, 1992.

Stéfani, Gaston, Levasseur, Georges; Bouloc, Bernard, ***Droit Pénal Général***, Paris: Dalloz, 1992.

Pin, Xavier, ***Droit Pénal Général***, Paris: Dalloz, 2009.